

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پژوهشکده گیلان‌شناسی

رشته ایران‌شناسی

گرایش فرهنگ و مردم، آداب، رسوم و میراث فرهنگی

پژوهشی مردم‌شناختی دربارهٔ «فرهنگِ خانه»
(مطالعهٔ موردی روستای حیدرآلات فومن)

از:

مهدی نصرافهانی

استاد راهنما:

دکتر سید مجتبی میرمیران

استاد مشاور:

دکتر مریم سادات فیاضی

شهریور ۹۲

هر آنکه جانب اهل خدا نکرده دارد

خداش در همه حال از بلا نکرده دارد

حدیث دوست نکویم مگر به حضرت دوست

که آشنا سخن آشنا نکرده دارد

دل امعاش چنان کن که کرب مغز و پاهای

فرشته ات بدوست دعا نکرده دارد

کرت هواست که معشوق نکلده بیان

نخاه دار سر رشته تا نکرده دارد

بانهایت ارادت به خانم فاطمه محمدی،

این چند برگه ناقابل، تقدیم می‌گردد به مردم خوب، پاک، مهربان و باصفای روستای حیدرآلات.

خداوند منان را سپاسگزارم که در سایه مهر و الطاف بی‌پیمانش توانستم بخارش این پیمان نامه را به پیمان برسانم.

به عمر رسیدن این اثر بیش از همه مدیون زحمات و راهنمایی‌های استاد ارجمندم جناب آقای دکتر سید محبتی میر میران می‌باشم که به حق، رهنمودهای ارزنده‌شان در

پشت تک تک کلمات این کار نهفته است.

از استاد بزرگوار سرکار خانم دکتر مریم السادات فیاضی به دلیل مساعدت و راهنمایی‌های ارزنده‌شان کمال تشکر را دارم.

از استاد محترم و کرامت‌دارم جناب آقای دکتر علی رفیعی به دلیل تمامی راهنمایی‌های ارزشمندشان در طول دوران تحصیل خویش کمال تشکر را دارم.

از دوستان عزیزم سرکار خانم فاطمه محمدی، آقای آرش حاج رسولیها، آقای دکتر مهدی حیدری، آقای دکتر جواد قاسمی و آقای مهدی امینی که در انجام این

تحقیق صمیمانه همکاری و همراهی نمودند سپاسگزار می‌نمایم.

از آقای اکباتان و آقای کریمی، کارمندان محترم پژوهشکده کیلان‌شناسی، به دلیل لطف و همکاری که در طول دوران تحصیل به اینجانب داشته‌اند کمال تشکر را

ابراز می‌نمایم.

از آقای مهدی مرادی دبیر روستای حیدرآلات، به پاس نهایت همکاری ایشان در انجام این پژوهش، و دیگر اهالی روستای حیدرآلات که اینجانب را به عنوان

پژوهشگر در روستای پژوهش صمیمانه سپاسگزار می‌نمایم.

پژوهشی مردم‌شناختی دربارهٔ «فرهنگ خانه» (مطالعهٔ موردی روستای حیدرآلاتِ فومن)

مهدی نصرآصفهانی

معماری بازتاب کالبدی زندگی بشری با تمام ابعاد آن، نیازها، باورها، اعتقادات و ارزش‌ها است. خانه نهادی فرهنگی به حساب می‌آید و شکل کلی، فضاها، وسایل، آداب و رسوم داخلی آن به شدت تحت تأثیر محیط فرهنگی است که خانه در آن شکل گرفته است. مظاهر تاریخی فرهنگی موجود در سرزمین‌های دوردست به علت جذابیت پدیده‌های نو برای ساکنان آنها، ضمن فرسایش طبیعی کالبد معماری، محو و نابود می‌شود و انسان از بازشناسی محدوده‌های فرهنگی و گونه‌های مختلف زندگی، محروم می‌شود. یکی از راه‌های بررسی کنه ساختمان، دستیابی به خصیصه‌های معماری بومی، از طریق دانش مردم-شناسی و در گسترهٔ میان‌دانشی است. این پژوهش تلاشی در شناخت عوامل مرتبط با شکل خانه و دستیابی به عوامل فرهنگی مؤثر بر شکل خانه است. بررسی مولفه‌های فرهنگی اثرگذار بر شکل خانه و از آن طریق شناخت رابطهٔ میان فرهنگ و خانه، و بررسی آن در خانه‌های روستای مورد مطالعه (حیدرآلات) پس از ارائه گزارش مردم‌نگارانه‌ای از این روستا است. نتایج حاکی از آن است که در کنار سایر عوامل مؤثر بر شکل خانه، این فرهنگ است که همواره در تأثیر خود بر معماری پیروز و غالب بوده است.

کلید واژه: مردم‌شناسی، فرهنگ، خانه، معماری بومی، کارکرد

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فهرست	ت
چکیده فارسی	چ
چکیده انگلیسی	ح
مقدمه	ا
فصل اول: کلیات	۳
۱-۱ طرح مساله	۴
۲-۱ ضرورت	۴
۳-۱ اهداف	۵
۴-۱ پرسشهای تحقیق	۵
۵-۱ مشکلات تحقیق	۶
۶-۱ روش تحقیق	۶
۷-۱ مفاهیم و واژگان	۸
۱-۷-۱ معماری	۸
۲-۷-۱ مسکن (خانه)	۸
۳-۷-۱ مسکن سنتی	۹
۴-۷-۱ فرهنگ	۹
۵-۷-۱ حوزه فرهنگی	۹
۶-۷-۱ هویت فرهنگی	۱۰
۸-۱ پیشینه تحقیق	۱۰

۱-۸-۱ آثار عمومی دربارهٔ مسکن، سکونت، سکونت روستایی..... ۱۰

۲-۸-۱ مطالعات معماری و مسکن در گیلان..... ۱۴

۳-۸-۱ مطالعات مربوط به حیدرآلات..... ۱۵

فصل دوم: مبانی نظری..... ۱۷

۱-۲ تاریخچهٔ معماری در جهان و ایران..... ۱۸

۲-۲ تاریخچهٔ مطالعات مسکن در ایران و جهان..... ۱۹

۳-۲ ویژگیهای معماری سنتی روستایی..... ۲۰

۴-۲ معماری مناطق شمالی ایران (گیلان)..... ۲۴

۱-۴-۲ حوزه های فرهنگی - معماری گیلان..... ۳۳

۵-۲ نظریه‌های مختلف در مورد شکل خانه..... ۳۴

۱-۵-۲ اقلیم و نیاز به سرپناه..... ۳۵

۲-۵-۲ مصالح و تکنولوژی ساخت..... ۳۶

۳-۵-۲ سایت و موقعیت..... ۳۸

۶-۲ عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر شکل خانه..... ۳۹

۱-۶-۲ نیروهای اجتماعی و فرهنگی و شکل بنا..... ۴۱

۲-۶-۲ موانع تنگناها و انتخاب..... ۴۲

۳-۶-۲ انتخاب..... ۴۳

۴-۶-۲ نیازهای اساسی..... ۴۳

۵-۶-۲ عامل خانواده..... ۴۵

۷-۲ سنت و مدرنیته در مسکن..... ۴۷

۸-۲ کارکردگرایی..... ۴۹

۵۵.....	۹-۲ فرهنگ خانه با تکیه بر نظریه کارکردگرایی.....
۵۷.....	۱-۹-۲ کارکرد غیرمادی خانه:
۵۸.....	فصل سوم: معرفی ویژگی‌های جغرافیایی منطقه مورد مطالعه
۶۰.....	۱-۳ استان گیلان.....
۶۱.....	۲-۳ فومن (fouman).....
۶۴.....	۳-۳ دهستان گوراب‌پس.....
۶۴.....	۴-۳ محدوده قلعه رودخان.....
۶۵.....	۵-۳ حیدرآلات.....
۶۶.....	۶-۳ دژ تاریخی "قلعه رودخان".....
۶۷.....	فصل چهارم: داده‌های پژوهش
۶۸.....	۱-۴ توصیف تغییرات فرهنگ خانه در روستا
۶۸.....	۲-۴ مسکن در روستای حیدرآلات.....
۷۰.....	۳-۴ ساختار خانه
۷۳.....	۴-۴ عناصر تشکیل دهنده خانه.....
۷۳.....	۱-۴-۴ خانه ((هومه، ک)).....
۹۳.....	۵-۴ انسان شناسی فرهنگ خانه در حیدرآلات.....
۹۵.....	فصل پنجم: جمع‌بندی و نتیجه
۱۰۱.....	منابع و مأخذ
۱۰۴.....	پیوست: آلبوم تصاویر

مقدمه

هایدگر بر درک معماری و درگیری در آن برای فهم فرهنگ تأکید می‌کند. او با پیوند دادن میان سکونت و ساختمان، سکونت را شکل بنیادین هستی انسان معرفی می‌کند. ساختمان نشان‌دهنده توانایی انسان در سازمان‌دادن به محیط زیستی است که درون آن می‌زید؛ چرا که مکان‌ها دارای معنایند. از این رو، نشان‌دهنده توانایی وی در چارچوب‌بندی و چفت‌وبست‌دار کردن جهان فرهنگی‌اش است. پس می‌توان گفت از راه معماری است که فرهنگی خاص و نیز کل انسانیت، به فهم و ابراز می‌رسد. ما از راه رو به رو شدن با ساختمان‌ها در فرهنگی دیگر می‌توانیم دیگربودگی آن‌ها را باز شناسیم (ادگار، ۱۳۸۸: ۴۶۸).

به طور مرسوم، تئوری و تاریخ معماری به بررسی مونومان‌ها^۱ (بناهای با عظمت و با اهمیت) توجه داشته و به آثار انسان نابغه، آثار خارق‌العاده و آثار نادر پرداخته است. محیط انسان به ویژه محیط مصنوع در هیچ زمانی به وسیله معمار هدایت نشده و هدایت نمی‌شود. این محیط، حاصل معماری مردمی (فولکوریک) است که تاریخ و تئوری معماری عمدتاً آن را به فراموشی سپرده است، تمامی شهرها حتی در اوج شکوفایی خود، شهرهایی که پیرامون معابد، مساجد و بازارها شکل گرفته‌اند و نیز دور افتاده‌ترین روستاها، حاصل معماری بومی و مردمی بوده‌اند (راپاپورت، ۱۳۸۸: ۱۲).

معماری مسکونی به عنوان جلوه‌گاه فرهنگ و روش زندگی انسان در برابر معابد و قصرها از اهمیت بسیاری برخوردار است و بایستی مورد توجه قرار گیرد. نگاه معمارانه باعث پیدایش دو گروه بنا گردیده است: از یک سو بناهای با اهمیت، همچون بناهای با کیفیت عالی، خصوصاً ساختمان‌های گذشته و از سوی ابنیه «کم اهمیت» و محیطی که این بناها را به وجود می‌آورند. با این حال، «خانه» که بارزترین و اصلی‌ترین بنای مردمی است، همواره مورد فراموشی قرار می‌گیرد. حال آنکه، سنت مردمی است که، پیوندهای بسیار نزدیکی با فرهنگ توده و زندگی روزمره دارد و مهم‌تر این که سنت مردمی بخش عظیمی از محیط مصنوع را شکل می‌دهد.

نادیده گرفتن ابنیه بومی که سازنده محیط هستند، نتیجه‌ای جز کم بها دادن به محیط نخواهد داشت و نتیجه آنکه پاسداری از محیط به فراموشی سپرده شده و محیط نیز رو به ویرانی خواهد رفت (راپاپورت، ۱۳۸۸: ۱۳).

¹ monument

اهمیت معماری سنتی ایران به خصوص گیلان در شناخت و حفظ فرهنگ ملی و محلی بر همگان عیان است. نظریات بسیاری در تایید اثرات متقابل معماری و فرهنگ بر یکدیگر ارائه شده و به اثبات رسیده است. پس از سویی مطالعه و بررسی آثار معماری هر حوزه فرهنگی برای دستیابی به شناخت بیشتر از مشخصات فرهنگی آن حوزه فرهنگی از اهمیت بسیاری برخوردار است و حفظ آثار معماری در راه توسعه فرهنگی از ضروریات به شمار می آید. و از سویی با رشد و توسعه فن آوری در بسیاری زمینه‌ها و تمایل مردم به معماری مدرن و فرار از معماری سنتی و بومی که به نوعی تحت تأثیر تغییرات فرهنگی و جلوگیری از این امر غیرممکن است. فضای خانه و آداب سکونت، آهنگ تغییرات فصلی و اشغال فضا، تجهیزات داخلی و فضاهایی که کاربرد خاصی دارند، مذکر، مونث، حجاب‌های نامرئی، ابعاد نمادی مسکن همه با تغییر در شکل و ماهیت ابنیه و به ویژه مسکن دچار تحولات قابل ملاحظه‌ای می شوند.

این پژوهش با نگاهی مردم‌نگارانه به بررسی معماری روستای حیدرآلات از توابع شهرستان فومن پرداخته و سعی در شناخت تغییرات حاصل شده در گذر زمان، در خانه‌های سنتی روستا و روند پیدایش معماری امروزی دارد. خانه از زوایای گوناگونی قابل بررسی است اما در این پژوهش آنچه مورد تأکید پژوهشگر قرار گرفته شکل خانه و بررسی علت تغییرات ایجاد شده در شکل خانه در روستا، با محوریت قرار دادن دیدگاهی کارکردگرایانه است. چرا که ساخت و بافت خانه‌های امروزی هیچ رنگ‌وبویی از خانه‌های قدیم سنتی ندارد و مصالح و طرح‌های شهری در خانه‌های روستا بسیار دیده می‌شود. آنچنان که اگر فردی بعد از گذشت چند سال دوباره به روستا مراجعه کند، این تغییرات بسیار ملموس و قابل مشاهده است.

در واقع، شکل معماری و ترکیب غالب خانه‌های روستای حیدرآلات به تدریج با ساخت واحدهای مسکونی جدید در حال زوال و فراموشی است و جای خانه سنتی را شکل و شیوه جدید ساختمان‌سازی، یعنی بناهایی با شکل‌های گوناگون و با مصالح غریب و بدون بسیاری از عناصر خانه سنتی حیدرآلاتی می‌گیرد.

با توجه به نبود منابع کافی در زمینه مورد مطالعه، ذکر بعضی از منابع در این گفتار بسیار شده به طوری که ملموس و پر واضح است. علاوه بر نبود منبع در این زمینه همسو بودن نظر پژوهشگر و تأثیرپذیری از این منابع پر تکرار به نوعی توجیه این تکرار فراوان است. به طور کلی در فصل اول این پژوهش به ذکر کلیات از جمله طرح مسأله، ضرورت، اهداف و روش پژوهش و مفاهیم و پیشینه تحقیق پرداخته شده است. با توجه به اهمیت چارچوب و مبانی نظری در این پژوهش از سویی و اهمیت بیشتر در شناخت محدوده مورد مطالعه از سوی دیگر، هر کدام از این موارد در فصلی جداگانه ارائه شده است. بنابراین، داده‌های پژوهش در فصل چهارم، و در نهایت فصل پنجم به نتیجه پژوهش اختصاص داده شده است.

فصل اول

کلیات

فصل اول: کلیات

این تفکر که عوامل اجتماعی و فرهنگی بیشترین نقش را در شکل خانه دارند تا نیروهای فیزیکی، دلیل مهمی است تا بناهای بومی را سرلوحه و الویت مطالعه شکل خانه قرار دهیم (راپپورت، ۱۳۸۸، ۹۷).

۱-۱ طرح مساله

معماری بازتاب کالبدی زندگی بشری است: زندگی با تمام ابعاد (نیازها، باورها، اعتقادات و ارزش‌ها). پس باید دریابیم که معماری امروز و فردای ما نمی‌تواند بی‌رابطه با معماری گذشته باشد. خانه نیز نهادی فرهنگی به حساب می‌آید و شکل کلی، فضاها، وسایل، آداب و رسوم داخلی آن به شدت تحت تأثیر محیط فرهنگی است که خانه در آن شکل گرفته است.

فرهنگ در عین ثابت بودن همواره در حال تغییر بوده و بالتبع به طور کل سبک زندگی نیز دستخوش تحول می‌گردد. خانه به عنوان مکانی که بخش عمده‌ای از زندگی انسان در آن در جریان است و همانگونه که فرهنگ باعث پیدایش آن گردیده در تغییرات فرهنگ تأثیر دارد. در چند دهه اخیر شاهد تغییرات بسیاری در سبک و شکل معماری در کشورمان بوده‌ایم و معماری روستایی نیز به طور چشمگیرتری دستخوش تغییرات گردیده است که نمود آن به شکل فزاینده‌ای بارز و قابل مشاهده است. حال باستی دید این تغییرات ناشی از چه بوده و آیا تغییرات در جهتی مثبت و رو به رشد است و یا اینکه گامی در برابر اعتلای فرهنگ برداشته و فرهنگ را دستخوش ضعف کرده است.

۲-۱ ضرورت

یکی از راه‌های بررسی کنه ساختمان، پیمودن راهی آرمانی است که به تمامی خصیصه‌های ذهنی-هنری که در معماری بومی نهفته است، دست یابد که این راه تنها به یاری دانش مردم‌شناسی و در گستره میان‌دانشی به دست می‌آید.

با انتشار روز افزون فرهنگ‌های غالب زمان ما و اقتصاد صنعتی جدید، طولی نخواهد کشید که مظاهر تاریخی فرهنگی موجود در سرزمین‌های دوردست به علت جذابیت پدیده‌های نو برای ساکنان آنها، ضمن فرسایش طبیعی کالبد معماری، محو و نابود شود و انسان از بازشناسی محدوده‌های فرهنگی و گونه‌های مختلف زندگی، قبل از ثبت و ضبط مشخصات آن، محروم

شود. در جهان امروز جذابیت چشمگیر حوزه‌های فرهنگی پیشرفته و شتاب فعل و انفعالات اقتصادی و فرهنگی مانع از توجه به وجود انواع زندگی بومی در گوشه و کنارهای دور افتاده شده است. لذا توجه به این مقوله دارای اهمیت است.

۳-۱ اهداف

هدف از انجام این پژوهش بررسی نظریات میان‌رشته‌ای (معماری و مردم‌شناسانه) مرتبط با شکل خانه و دستیابی به عوامل فرهنگی مؤثر بر شکل خانه است. شناسایی مولفه‌های فرهنگی اثرگذار بر شکل خانه و از آن طریق شناخت رابطه میان فرهنگ و خانه، ضمن توجه به چارچوب نظری کارکردگرایی، و بررسی آن در خانه‌های روستای مورد مطالعه (حیدرآلات) پس از ارائه گزارش مردم‌نگارانه‌ای از این روستا است. هدف از گزارش مردم‌نگارانه با تمرکز بیشتر بر خانه‌های سنتی، شناسایی تغییرات خانه در روستای مورد مطالعه در طول چند دهه اخیر است. در مجموع پژوهشگر با انجام پژوهش حاضر می‌کوشد به اهداف زیر دست یابد:

- ۱- ارائه تعریفی انسان‌شناسانه و فرهنگی از «خانه»
- ۲- شناسایی مولفه‌های انسان‌شناسانه و فرهنگی اثرگذار بر «خانه»
- ۳- بررسی رابطه میان فرهنگ و «خانه»
- ۴- بررسی «فرهنگ خانه» در چارچوب نظری کارکردگرایی از منظر انسان‌شناسی
- ۵- بررسی انسان‌شناختی «فرهنگ خانه» در گذر زمان در روستای «حیدرآلات» و توصیف تغییرات «فرهنگ خانه»

۴-۱ پرسش‌های تحقیق

- ۱- آیا با تغییر «خانه‌های سنتی» به «خانه‌های امروزی»، فرهنگ خانه دچار تحول می‌شود؟
- ۲- آیا تغییر در سبک زندگی، بر «خانه» و شیوه سکونت در آن اثرگذار است؟
- ۳- متغیرهای فرهنگی «خانه» چه مواردی را شامل می‌شود؟

۵-۱ مشکلات تحقیق

به دلیل کمبود و فقدان منابع مطالعاتی در زمینه مسکن و به ویژه فرهنگ خانه، محقق در این زمینه با مشکل روبرو بود؛ در برخی آثار تنها اشاره مختصری به این موضوع شده است.

با توجه به سنتی بودن جامعه مورد مطالعه و عدم اطمینان کافی به محقق، بسیاری از اطلاعات در مورد آداب و رسوم و همچنین عکس و تصاویر قدیمی مربوط به محیط های مسکونی و جریان زندگی در اختیار محقق قرار نگرفت.

تفاوت قابل ملاحظه فضای فرهنگی روستا با محل زندگی محقق، سبب شد مدت زیادی از وقت وی صرف درک این فضای جدید شود تا امکان آشنایی با زندگی مردم به منظور کسب اطلاعات لازم درباره شیوه های سکونت و نحوه استفاده از مسکن در گذشته و حال به وجود آید.

از آن جا که محقق با زبان مردم منطقه (تالشی) آشنا نبود، امکان ارتباط بهتر با مردم منطقه وجود نداشت و مصاحبه با بسیاری از افراد، به ویژه افراد مسن منطقه که صرفاً به زبان تالشی صحبت می کرده اند، از محقق سلب شد.

فاصله زیاد محل سکونت محقق با روستا و نبود امکان اقامت طولانی در روستا، یکی دیگر از مشکلات تحقیق به شمار می آید که امکان شناخت دقیق تر و جامع تر منطقه را از محقق سلب کرد.

۶-۱ روش تحقیق

در میان علوم اجتماعی، مردم شناسی پیشتاز تکمیل روش های کیفی بوده است. پاتون به عنوان یک مردم شناس به شرح مزایای عمده این روش ها برای فعالیت های کاربردی می پردازد، وی اشاره می کند که: داده های کیفی از توصیف مفصل وضعیت ها، رویدادها، مردم، تعامل ها و رفتارهای مشاهده شده، نقل قول مستقیم از مردم درباره تجربه های شان، مواضع و اعتقادات و افکارشان، و قطعات یا بخش های کاملی از اسناد و مکاتبات، پیشینه ها و سوابق پرونده ها تشکیل می شود. توصیفات مفصل، نقل قول های مستقیم و مستندات پرونده، متشکل از سنجش کیفی مواد خامی است که از عالم تجربه کسب می شود (ام. اروین، ۱۳۸۶: ۲۹۱).

این پژوهش، مردم‌نگارانه و ژرفانگر بوده است و اطلاعات مورد نیاز به صورت میدانی و مردم‌نگارانه برداشت شده است. سپس این اطلاعات براساس اهداف پژوهش، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. از لحاظ روش‌شناسی، این مطالعه بیش از هر چیز بر مشاهده استوار است و توصیف و تحلیلی غنی از مفهوم خانه در بستر تحولات کنونی دارد.

در این مطالعه از روش مشاهده از نوع مشاهده مشارکتی استفاده شده است. «مشاهده مشارکتی» روشی است که مبدع آن «برونیسلاو مالینوفسکی» است. در این روش، محقق باید جزئی از واقعیت مورد بررسی خود گردد. زبان آن‌ها را بیاموزد و به آن‌ها نزدیک شود؛ به صورتی که وجود او را احساس نکنند و رفتارهایشان را به طبیعی‌ترین شکل ممکن انجام دهند (فکوهی، ۱۳۸۶: ۱۷۰). در این پژوهش نیز محقق به گفتگوهای خودمانی با اهالی پرداخته و به مصاحبه‌های طولانی با مطلعان کلیدی اقدام نموده و مصاحبه با اهالی از زن و مرد به صورت انفرادی و گروهی نیز فراموش نگردیده است.

در تمامی مصاحبه‌ها مصاحبه شونده‌گان محدود به گزینه‌های خاصی در پاسخ نبوده‌اند، بلکه پاسخ‌ها به صورت تشریحی بوده است. برای مصاحبه دو پرسشنامه طراحی شد: یک پرسشنامه برای مطلعان کلیدی، و پرسشنامه‌ای دیگر برای مردم و اهالی روستا. لازم به ذکر است که کاربرد پرسشنامه در طول مصاحبه کمرنگ و صرفاً جهت یادآوری مصاحبه‌کننده بود. در واقع پرسشنامه به منظور تمرکز بر موضوع و خارج نشدن از بحث بوده، و سعی شده است مصاحبه شونده در پاسخ‌ها هیچ محدودیتی نداشته و آزاد باشد، به طوری که بند آخر پرسشنامه، هیچ سوالی نبوده و تنها مطالب تکمیلی مصاحبه شونده بوده است.

بهترین زمان لازم برای یک مطالعه مردم‌شناسی، از نظر بسیاری از صاحب‌نظران این حوزه یک سال پیشنهاد شده است، اما با توجه به شرایط پژوهش‌گر و زمین تحقیق، چنین حضوری ممکن نبود و از طرفی این پژوهش، یک مردم‌نگاری کامل از روستا نیز نبود. با این حال تلاش بر حضور در روستا در سه فصل بهار، تابستان و پاییز محقق شد. ناگفته نماند که رفت و آمد به روستا در فواصل زمانی متفاوت، در دوره‌ای حدوداً دو ساله، صورت گرفت که سبب شناخت عمیق در سفرهای آخر گردید.

کار پژوهش و برداشت میدانی در روستا به صورت خطی نبوده است، بلکه بسیاری از مراحل مشاهده به صورت پراکنده و در واقع همگام صورت می‌گرفت. بدین معنی که مصاحبه با مطلعان، مصاحبه با مردم، تصویربرداری، رسم نقشه و دیگر برداشت‌های میدانی با فاصله زمانی زیاد از هم صورت نمی‌گرفت؛ که این مسئله موجب حذف و گاهی اضافه شدن سوالاتی به فهرست پرسش‌ها می‌گردید. «برنارد می‌گوید: لازم است پژوهشگر در مقطعی از کار به استراحت پرداخته و از محیط خارج

شود؛ پس می‌توان با تجدیدنظر در کانون پژوهش کار کرد؛ تا جدیدترین واقعیات کشف شده به نحوی دقیق‌تر منعکس شود» (ام. اروین، ۱۳۸۶: ۲۹۹). این مزیت حضور پراکنده محقق از نظر زمانی در روستا است.

در مصاحبه‌ها بعد از معرفی محقق، هدف مصاحبه بیان می‌شد تا از برداشت غلط و انتظارات نابجای اهالی جلوگیری و همچنین موجب ترغیب آن‌ها به پاسخگویی صحیح شود. جهت جلب اعتماد اهالی روستا، مصاحبه در قالب گروهی دو نفره (یک مرد و یک زن) انجام می‌شد که این امر در کیفیت پاسخدهی بسیار تأثیرگذار بود. ضبط مصاحبه‌ها با استفاده از رکورد و با کسب رضایت مصاحبه‌شونده انجام می‌گرفت تا احتمال فراموش کردن مصاحبه‌ها و نکات مهم به حداقل برسد.

روش اصلی پژوهش، مشاهده (مشارکتی و غیرمشارکتی) بوده است که حاصل آن در بخش اصلی پژوهش ارائه گردیده است، با این حال مصاحبه با اهالی به منظور مقایسه دریافت‌ها و به نوعی تأیید آن انجام گرفت.

۷-۱ مفاهیم و واژگان

۱-۷-۱ معماری

معماری صرفاً نوعی فعالیت، رویداد یا مجموعه‌ای از دست‌سازها نیست. حتی هنر صرف هم نیست. معماری برای تمام امور انسانی بنیادی و اساسی است و از همان آغاز تمدن ایجاد شده است، چرا که بدون آن به وجود آمدن تمدنی وجود نمی‌داشت. معماری اجتناب‌ناپذیر، جهانی، بی‌پایان و مستمر است. معماری همچنین نیازی ابتدائی است. معماری از بدوی‌تری شکل سکونت در غارها تا پیچیده‌ترین نوع ساختمان‌ها را در بر می‌گیرد (مجتبی پور، ۱۳۷۸: ۱۷).

۲-۷-۱ مسکن (خانه)

امروزه از واژه خانه به جای مسکن استفاده می‌شود. واژه‌ای که در گذشته برای اتاق به کار می‌رفته است و هنوز نیز در بعضی زبان‌ها و گویش‌ها همچون تالشی چنین کاربردی دارد و منظور از خانه همان اتاق است. واژه مسکن بیشتر در زمینه‌های علمی به ویژه علوم شهرسازی، جغرافیا و علوم اجتماعی تحت عنوان مسکن اجتماعی به کار می‌رود که با مفهوم خانه دارای تفاوت‌هایی است.

نمونه‌هایی از تعاریفی که امروزه تحت عنوان مسکن ارائه می‌شود به شرح ذیل است.

بر اساس تعریف مرکز آمار ایران، «واحد مسکونی» مکان، فضا و یا محوطه‌ای محصور است که یک یا چند خانوار در آن سکونت داشته و به یک یا چند ورودی در شارع عام یا شارع خاص راه داشته باشد (سالنامه آماری کشور ۱۳۹۰، ۱۳۹۱: ۴۰۴).

در تعریف دیگری از مسکن چنین آمده است: «خانه که در مفهوم شهرسازی آن را مسکن می‌گویند در واقع همان سرپناه است. خانه، لانه، آشیانه یک نیاز عاطفی برای هر موجود زنده است، مکانی همساز برای بقای پایداری و دوام نسل‌ها. این نیاز درونی برای رشد به یقین ضروری‌تر است. انسان خانه را محل پرورش و پایگاه تعالی می‌داند» (خجسته، ۱۳۷۶: ۱۹).

«مسکن نهادی است که یک سلسله از امیال و آرزوها و نیازهای پیچیده موجب خلق آن می‌شود و فقط یک ساخت ساده نیست. از آنجایی که ساختن خانه به وجود آوردن یک نهاد فرهنگی است، لذا شکل کلی و فضاها و وسایل آن و آداب و رسوم داخلی آن به شدت تحت تأثیر محیط فرهنگی است که این خانه به آن فرهنگ تعلق دارد» (کریمی، ۱۳۶۵: ۲۶).

۱-۷-۳ مسکن سنتی

مسکنی که مطابق الگوهای معماری بومی و با تکیه بر آداب و رسوم خاص یک منطقه ساخته شده است.

۱-۷-۴ فرهنگ

صرف نظر از معانی و مفاهیم لغوی واژه فرهنگ، تا کنون دهها تعریف از فرهنگ ارائه شده است، که همگی به جزء یا ویژگی خاصی از فرهنگ متوجه‌اند، اما مراد این نوشتار از فرهنگ «مجموعه پدیده‌هایی است که احساس، اندیشه و رفتار فرد را در جامعه شکل می‌دهد و در درون یک جامعه موجب وحدت و انسجام آن می‌گردد».

فرهنگ، مجموعه آداب و رسوم و به طور کلی اخلاق اجتماعی است که از باورها و اعتقادات آن جامعه سرچشمه می‌گیرد. دایره‌المعارف ورلد بوک^۲ تعریف تایلر از فرهنگ را چنین آورده است: آن دسته از عقاید و افکار (کلی پیچیده) که در بر گیرنده دانش، عقیده، هنر، اخلاق، قانون، عادات، و هر قابلیت و عاداتی که فرد به عنوان عضوی از جامعه برای خود کسب کرده باشد، فرهنگ نام دارد (جعفری، ۱۳۷۳: ۳۱).

۱-۷-۵ حوزه فرهنگی

در صورتی که کارکردهای فرهنگ در میان یک گروه جمعیتی تحقق یابد، در یک منطقه جغرافیایی معین، حوزه‌ای فرهنگی با ویژگی‌های متمایز از نواحی مختلف، قابل شناسایی است. مردم‌شناسان برای مفهوم حوزه فرهنگی تعاریف مختلفی

² world book encyclopedia

ارائه کرده‌اند. عبارت حوزه فرهنگی اشاره به منطقه جغرافیایی دارد که شامل مجموعه‌ای از جوامع است که نهادهای اجتماعی، آداب و سنن، و فرهنگ مادی و به طور کلی عناصر و ترکیبات فرهنگی مشابه و همسان دارند» (روح‌الامینی، ۱۳۸۲: ۲۷).

برخی دیگر، حوزه فرهنگی را منطقه‌ای که نوع مشخص و همگن از تمدن در آن حاکم بوده و باعث تمایز آن منطقه از سایر نواحی می‌شود، دانسته‌اند. در هر حوزه این منطقه کانونی وجود دارد که مشخصات آن حوزه در آن پدیدار شده، شکل خاص و اصیل‌تری دارد و به سایر نقاط، اشاعه یافته است.

بنابراین حوزه فرهنگی عبارت است از منطقه‌ای که در آن چند گروه و طایفه مختلف زندگی می‌کنند و دارای عناصر فرهنگی و ترکیب‌های فرهنگی مشترک و مشابه هستند.

۱-۷-۶ هویت فرهنگی

معیاری که به واسطه آن می‌توان یک حوزه فرهنگی را از حوزه‌های دیگر تمیز داد هویت فرهنگی است. عوامل فرهنگی منطقه جغرافیایی معینی است که محدودیت مستقل فرهنگی را به وجود آورده‌اند. در این موجودیت مستقل فرهنگی، مراد از هویت فرهنگی، همبستگی و یکپارچگی بافت معنوی جامعه است که به واسطه آن افراد یک حوزه، خود را متعلق به هم می‌دانند و از نظر دیگران متعلق به هم شناخته می‌شوند.

۱-۸ پیشینه تحقیق

آثار موجود درباره مسکن را می‌توان براساس آثار مربوط به مسکن، آثار مربوط به گیلان و آثار مربوط به محدوده مورد تحقیق (روستای حیدرآلات)، از یکدیگر تفکیک کرد، آثاری که این پژوهشگر توانست به آنها دست یابد با شرح چکیده بدین قرار است:

۱-۸-۱ آثار عمومی درباره مسکن، سکونت، سکونت روستایی

انسان‌شناسی مسکن، آموس راپاپورت، ترجمه خسرو افضلیان، ۱۳۸۸، تهران: حرفه هنرمند.

شاید بتوان گفت مهم‌ترین اثری که به مسکن و خانه به صورت انسان‌شناسانه پرداخته است، کتاب آموس راپاپورت است. راپاپورت معتقد است اینکه خانه را پاسخی به نیاز انسان برای محافظت از خود در برابر حیوانات، انسان‌های دیگر یا فشارهای آب‌وهوایی بدانیم کافی نیست و این، تنها مفهوم سرپناه را دربرمی‌گیرد. او در این‌باره می‌گوید: «هرچند که نمی‌توان

نقش بسیار مهم سرپناه را برای مسکن نادیده گرفت و انکار نمود که یکی از نیازهای اولیه و اساسی انسان است ولی از سویی سرپناه به عنوان یک نیاز اساسی در نقش خود، مورد تردید و سوال قرار گرفته است. او می‌گوید که ساخت خانه عملی طبیعی نیست بلکه عملیست که از فرهنگ نشأت می‌گیرد. او در کتاب خود، نمونه‌های گوناگونی از شکل خانه در بین ساکنان پنج قاره را معرفی کرده و توضیح می‌دهد که چرا این خانه‌ها به شیوه‌های خاص خود ساخته شده‌اند و نه به شیوه‌های دیگر. او در ابتدا نقش تعیین‌کننده اقلیم را در شکل خانه، به چالش کشیده و در نهایت به این نتیجه می‌رسد که: شکل خانه بیش از آنکه تحت تأثیر اقلیم باشد برگرفته از سنت است.

معماریان، غلامحسین، (۱۳۷۱)، آشنایی با معماری مسکونی ایرانی (گونه‌شناسی برون‌گرا)، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.

معماریان، در این کتاب معماری برون‌گرا را به طور کامل بررسی، و پس از اشاره‌ای دقیق و مکفی به معماری برون‌گرای جهان، معماری برون‌گرای ایران را به تحلیل می‌کشد. و معماری برون‌گرای ایران را در شمال ایران و مرکز ایران در قالب معماری برون‌گرای جلگه‌ای و معماری برون‌گرای کوهپایه‌ای، معرفی می‌کند.

مقاله: تأملی در مردم‌شناسی فرهنگی بازار و مسکن شهر قزوین عسکری خانقاه، اصغر، ۱۳۸۰، شماره ۱۷ (۱۵۹ تا ۱۹۲).

چکیده: آنچه در بحث‌های ویژه ساختارهای فرهنگی قرار می‌گیرد، تاریخی از گذشته انسان بوم‌زاد را در هر منطقه رقم می‌زند. بحث ما در این مقاله راه‌یابی به دانش قومی و شناخت بناهای قدیمی و بازار شهر تاریخی قزوین و بررسی فرهنگ حاکم بر آن و آگاهی از تفکر جدید ساکنان بناها و سراهای قدیمی است، که بازتاب ویژه این امر رسیدن به دانش انسان ساکن در محله‌ها و بناهای قدیمی و پی بردن به گرایش و اندیشه امروزی وی برای مرمت آثار بجا مانده از روزگاران قدیم است. مردم‌شناسان فرهنگی معتقدند که در این امر عواملی چون قومیت، زبان، مهاجرت، ازدواج و ... می‌توانند نقش فرهنگی ویژه‌ای را در استقرار انسان در هر منطقه ایفا کنند. خانقاه در مقاله خود به بررسی عوامل حاکم بر فرهنگ مسکن و بازار قزوین و نیز شناخت تمایلات مردم به بازسازی و مرمت بناهای قدیمی پرداخته است، تا به قول خود «از این طریق راهی هرچند باریک به سوی دروازه عظیم دانایی‌ها و دانش‌های مربوط به معماری بومی و آینده‌نگری در بناهای جدید شهرهایی چون قزوین بگشاید».

مقاله: مدرنیته و مسکن (رویکردی مردم‌نگارانه به مفهوم خانه، سبک زندگی روستایی و تحولات امروزی آن)، نعمت‌الله

فاضلی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۶، صص ۶۳-۲۵

چکیده: این مقاله به تحلیل فرهنگی خانه روستایی در گذشته و اکنون می‌پردازد و خانه را به مثابه یکی از مؤلفه‌های اصلی سبک زندگی جهت فهم کلیت زندگی روستایی مطالعه می‌کند. در این نوشتار اثرات مدرنیته بر تحول فرهنگ خانه در زمینه‌هایی از جمله امروزی‌شدن، عقلانی‌شدن، شهری‌شدن، عرفی‌شدن، جهانی‌شدن، فردی‌شدن، و غیره بررسی می‌شود و سپس این تحولات در یک خانه روستایی ایران بررسی می‌شود. این مطالعه نشان می‌دهد که ویژگی‌های خانه روستایی که عبارت بودند از کالای اقتصادی نبودن، پیوند گسست‌ناپذیر با روستا، زادگاه و پرورشگاه بودن، آمیختگی با اسطوره‌ها و روایت‌های تاریخی خانوادگی، همزیستی با طبیعت و فقدان حریم خصوصی دگرگون شده است و از این رو دیگر نمی‌توان با رویکردهای کلاسیک که روستا را مقرر سنت و شهر را مقرر مدرنیته می‌دانستند به مطالعه آن پرداخت. در نهایت نگارنده به شکل‌گیری نوعی «مدرنیته روستایی ایرانی» در روستاهای ایران اشاره می‌کند.

تأثیر فرهنگ دینی بر شکل‌گیری خانه: مقایسه تطبیقی خانه در محله مسلمانان، زرتشتیان و یهودیان کرمان، غلامحسین معماریان، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره سوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۹، صص ۱-۲۵

چکیده: مطابق با دیدگاه بسیاری پژوهشگران «فرهنگ» عامل اصلی شکل‌گیری خانه است و نقش مهمی در پایداری اجتماعی دارد، لذا مطالعه فرهنگ‌های دینی برای شناخت الگوهای رفتاری اقوام و مذاهب گوناگون اهمیت می‌یابد. با وجود این، عوامل تأثیرگذار فرهنگ بر محیط انسان‌ساخت در شهر کرمان، کمتر مطالعه شده است. این مطالعات می‌تواند برنامه‌ریزان را در تدوین ضوابط راهنمای طراحی و نوسازی این محلات یاری کند. این مقاله با الگویی ترکیبی، ابتدا با استفاده از متون مقدسی همچون قرآن کریم و با تحلیل منطقی، به موضوع حریم و مهمان‌نوازی در فرهنگ اسلامی پرداخته و تأثیر آنرا بر شکل‌گیری خانه‌های محله مسلمانان بیان می‌کند. سپس افزون بر مطالعات قوم‌نگاری، با مراجعه به اوستا و تورات نشان می‌دهد که فضای معماری قابلیت فرهنگ‌پذیری دارد و فرهنگ نیز در قالب فضای کالبدی به ظهور می‌رسد.

مقاله: «بررسی گسترش فیزیکی-کالبدی سکونت‌گاه‌های روستایی با تأکید بر افزایش جمعیت و تغییر کاربری اراضی» (گرگان و ترکمن صحرا)، نویسنده: نظری، عبدالحمید، مجله تحقیقات جغرافیایی، تابستان و پاییز ۱۳۷۷ - (شماره ۴۹ و ۵۰)، شماره، ص ۲۲۵

مقدمه: در محافل علمی و برنامه‌ریزی کشورمان موضوع گسترش فیزیکی شهرها و مسأله تغییر کاربری اراضی زراعی پیرامون آنها به سبب بزرگی وسعت سکونت‌گاه‌های شهری و نرخ شتابان شهرنشینی بیش از سکونت‌گاه‌های روستایی مطرح بوده و است. اهمیت این مسأله در برخی نواحی جلگه‌ای به علت فراوانی تعداد و حجم جمعیتی روستاها کمتر از نقاط شهری